تحصن روحانیان در دانشگاه تهران؛ نقطه عطف انقلاب اسلامی

برخی از روحانیان که در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۷ از سراسر کشور برای استقبال از امام خمینی راهی تهران شده بودند، در هفتم بهمن ۱۳۵۷ در مدرسه رفاه گردهم آمدند، آنان در اعتراض به ممانعت شاپور بختیار از ورود امام خمینی به ایران، تصمیم به تحصن در مسجد دانشگاه تهران گرفتند. این تحصن از ساعت ۹ صبح هشتم بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد. روزنامه کیهان در گزارشی نوشت: «تحصن با حضور چهل روحانی آغاز شد و در ادامه صدها روحانی دیگر به این تحصن پیوستند و علاوه بر روحانیون مبارز تهران، نمایندگان روحانیون مبارز شهرستان‌ها و عده‌ای از مدرسین حوزه علمیه قم نیز در این تحصن شرکت کردند. اعلام شده است که این تحصن در اعتراض به بسته شدن فرودگاه‌ها و ممانعت از ورود امام خمینی به کشور برپا شده است و تا ورود امام خمینی به کشور نیز ادامه خواهد داشت.

روحانیون مبارز متحصن در مسجد دانشگاه تهران با صدور اعلامیه شماره یک خود اعلام کردند: «حکومت غیرقانونی و غاصب شاپور بختیار در بی‌شرمی و اهانت به حیثیت ملت ایران، روی پیشینیان نوکرصفت خود را سفید کرد. در روز جمعه ۶ بهمن در تهران و تبریز و رشت و گرگان و آبادان و سنندج و بعضی از شهرستانهای دیگر دست

***روحانیان انقلابی در اعتراض به ممانعت شاپور بختیار از ورود امام خمینی به ایران، تصمیم به تحصن در مسجد دانشگاه تهران گرفتند**

به کشتارهای فجیع و وحشیانه زد و با بستن فرودگاه‌های کشور به روی رهبر محبوب ملت «آیت‌الله العظمی امام خمینی دام‌ظله» احساسات پاک مردم شرافتمند ایران را که با قلبی لبریز از عشق و دیدگان پراشک و شوق در انتظار مقدم فرخنده رهبر عظیم‌الشان خود بود، سخت جریحه دار ساخت و خشم سهمگین ملت ایران را که ریشه او و اربابانش را خواهد سوخت، بیش از پیش برانگیخت، اینجانبان به عنوان اعتراض به اعمال ضدانسانی دولت غیرقانونی بختیاری از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۸ بهمن ماه جاری تا بازگشت حضرت آیت‌الله امام خمینی دام ظله به وطن و آغوش پر از مهر ملت، در مسجد دانشگاه تهران تحصن اختیار می‌کنیم و از این محل مقدس در کنار برادران دانشجوی خود، ندای حق‌طلبانه خود را به گوش جهانیان خواهیم رساند. برقرار باد جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی».

آیت‌الله سیدحسن طاهری خرم‌آبادی در خاطرات خود از تحصن روحانیون در مسجد دانشگاه تهران می‌گوید: «در میدان روحانیون نظریه تحصن در دانشگاه تهران طرفدار بیشتری داشت و بنده به اتفاق آقایان مطهری، خامنه‌ای، ربانی املشی، ربانی شیرازی و گروهی دیگر با مینی‌بوس راهی دانشگاه شدیم و اول صبح آنجا بودیم. وقتی وارد دانشگاه تهران شدیم بیست نفر از دانشجویان که از تحصن ما آگاه شده بودند در آنجا حاضر شدند. و آیت‌الله مطهری، روی پله‌های مسجد دانشگاه ایستادند و اعلام کردند که ما در اعتراض به دولت که از ورود امام خمینی(ره) به کشور جلوگیری کرده‌اند در اینجا متحصن شویم و در همین جا به دنیا اعلام می‌کنیم تا برطرف شدن مانع، به تحصن خود ادامه خواهیم داد.» آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی در ادامه افزود: «بعد از استقرار ما در مسجد دانشگاه تهران، سیل جمعیت از نقاط مختلف به آنجا سرازیر شد. گروهی از مدرسان حوزه علمیه قم از همان صبح روز اول آمده بودند از جمله آقایان فاضل لنکرانی، قدوسی، راستی کاشانی. در کنار مسجد یکی دو اتاق بزرگ قرار داشت که آقایان در آنجا جمع شده بودند و کمیته‌هایی برای اداره تحصن تشکیل داده بودند. یکی از این کمیته‌ها، کمیته تبلیغات بود، دیگری کمیته رسیدگی به علمای شهرستانی بود. در این قسمت اسامی و مشخصات علمایی که از شهرستانها به متحصان می‌پیوستند، نوشته می‌شد تا برای انتشار، در اختیار خبرنگاران قرار گیرد».

آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی نیز در خاطرات خود با اشاره به حوادث ۷ بهمن ۱۳۵۷ و شعارهای مردم «وای به حالت بختیار، اگر امام فردا نیاد، اگر امام فردا نیاد مسلسلها بیرون میاد» و «وای اگر خمینی، حکم جهادم دهد، ارتش دنیا نتواند که جوابم دهد» نوشت: «این شعارها به خوبی روحیه مردم را در به مبارزه طلبیدن دشمن نشان داد و در این اوضاع و احوال فکر تحصن اعتراضی روحانیون مبارز در دانشگاه تهران در جمع ما مطرح شد و در همان لحظات اولیه، با شرکت دهها نفر از روحانیون که بعداً تعداد آنها به صدها نفر رسید، به سرعت شکل اجرایی گرفت و ما نیز در جلساتی که برای اداره برنامه‌های تحصن در اتاقی در کنار مسجد دانشگاه تهران برپا می‌کردیم به همکاری و همفکری با تعدادی از دانشگاهیان می‌پرداختیم.»

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ادامه افزود: «در چنین شرایطی جمعیت زیادی هم در صحن و هم در داخل مسجد دانشگاه تهران حضور داشتند که لازم بود آنها را هم مشغول سازیم و هم کنترل کنیم تا حوادث تلخی رخ ندهد. برای همین من نیز مثل جمع دیگری از دوستان، در اجتماع مردم در مسجد سخنرانی کردم و با ارائه تحلیلی گفتم رژیم در مقابل فشار افکار عمومی داخل و خارج، نمی‌تواند زیاد مقاومت کند و در نهایت مجبور خواهد شد که با آمدن امام خمینی به کشور، موافقت کند».

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود می‌افزاید: «دیدم که جوان‌ها بی‌محابا در معرض اصابت گلوله قرار می‌گیرند به میان جمعیت رفتم و عبای خود را از دوش برداشتم و در مقابل آنها ایستادم و به آنها گفتم حق ندارید که چنین کارهایی بکنید و بعد هم آنها را همراهی کردم و آنها هم همانجا ماندند و شعار رهبران ما را مسلح کنید، دادند.» ایشان افزود این تحصن که با حضور آقایان بهشتی، مطهری، مفتح، خامنه‌ای و عده‌ای دیگر از روحانیون مبارز سازماندهی شده بود، به صورت گسترده مورد حمایت مردم، علما و مراجع تقلید قرار گرفت».

***آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: فکر تحصن اعتراضی روحانیون مبارز در دانشگاه تهران در جمع ما مطرح شد و در همان لحظات اولیه، با شرکت دهها نفر از روحانیون که بعداً تعداد آنها به صدها نفر رسید، به سرعت شکل اجرایی گرفت**

روزنامه اطلاعات در گزارشی در این باره نوشت: «بیست نفر از روحانیون از جامعه روحانیت مبارز تهران و بیست نفر از روحانیون شهرستانها در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند. دکتر زیباکلام نیز ازسوی سازمان ملی دانشگاهیان به آنان خیرمقدم گفت. به گزارش خبرنگار روزنامه اطلاعات شماره متحصنین در شروع تحصن (ساعت ۹) حدود چهل نفر بود که در ساعت ۱۰ به یکصد نفر افزایش یافت و حجت‌الاسلام جنتی سخنگوی روحانیون نیز اعلام کرد که آقایان طالقانی، منتظری و بهشتی نیز به جمع متحصنین خواهند پیوست. ساعت ۹ صبح نماینده خلبانان اعتصابی هواپیمای ملی کشور نیز به جمع روحانیون آمد و از آمادگی خلبانان برای پیوستن به این تحصن خبر داد. در همین ساعت نیز گروهی از روحانیون در داخل دانشگاه دست به تظاهرات زدند و شعار می‌دادند: برادر مسلمان تحصن ـ تحصن ـ دانشگاه تهران و نه قانون اساسی، نه سازش سیاسی، تنها ره رهایی جنگ مسلحانه است».

روزنامه اطلاعات در ادامه اسامی جمعی از متحصنین را که در ساعات اول به مسجد دانشگاه تهران آمده بودند به این شرح اعلام کرد: «آقایان مطهری، آذری، محمدی، محفوظی، طاهری، محمدعلی جنتی، مهدی ربانی، محمدعلی شرعی، فاضل موحدی، یوسف صانعی، حسین راستی، محمد مؤمن، خلخالی، احمدی، توسلی و حیدری».

به گزارش خبرنگار روزنامه کیهان سازمان ملی دانشگاهیان ایران کمیته تدارک امکانات برای متحصنین تشکیل داد. خبرنگار کیهان نوشت: «تعداد روحانیون مبارز تا ظهر امروز از چهارصد نفر تجاوز کرد تلاوت و ترجمه آیات قرآن مجید از جمعه برنامه‌های متحصنان در مسجد دانشگاه است. آقای [سیدعلی] خامنه‌ای و آقای [اکبر] هاشمی رفسنجانی و استاد [مرتضی] مطهری در جمع متحصنان برنامه سخنرانی دارند. شیخ مصطفی رهنما همکار مطبوعاتی ما و بانی مسلم آزاد نیز مقارن ظهر به جمع متحصنان در مسجد دانشگاه تهران پیوست».

تحصن روحانیون با استقبال برخی مراکز دانشگاهی و اجتماعی ایران نیز روبه‌رو شد. سازمان ملی دانشگاهیان ایران (دانشگاه تهران) در بیانیه‌ای اعلام کرد: «روحانیت مترقی در طول مبارزات ضداستبدادی و ضداستعماری ملت ایران همواره نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. اینک در آستانه ورود رهبر عالی‌قدر انقلاب مردم ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی برای اعتراض به دسایس مذبوحانه دستگاه ضدمردمی حاکم در جلوگیری از ورود ایشان، جامعه روحانیت مبارز در مسجد دانشگاه تهران تحصن اعلام کرده است. سازمان ملی دانشگاهیان ایران (دانشگاه تهران) پشتیبانی کامل خود را از خواست روحانیون متحصن ابراز می‌کند و انتخاب دانشگاه تهران را به عنوان محل این تحصن نشانه دیگری از همبستگی همه قشرهای مردم ایران در تحقق هدفهای انقلاب بزرگ ملت ایران می‌داند».

شورای مرکزی هماهنگی سازمانهای دولتی و ملی که شامل بیش از پنجاه سازمان است نیز در اعلامیه‌ای از اقدام روحانیون حمایت کرد. در اعلامیه شماره ۹ این شورا آمده است: «شورای مرکزی هماهنگی سازمانهای دولتی و ملی ایران در اعتراض به دسایس ننگین امپریالیسم جهانی و نوکران سرسپرده و جیره خوار آن که بر مسند خیانت و جنایت تکیه کرده‌اند و در این لحظات حساس تاریخ‌ساز می‌خواهند با دسایس گوناگون چون اشغال نظامی رادیو و تلویزیون، سازمان بنادر، گمرگ بندرعباس و فرودگاه‌های کشور و کشتارهای ننگین سراسر کشور و تکرار جمعه سیاه، انقلاب ایران را به رهبری امام خمینی با توطئه روبه‌رو سازند؛ اعضای شورایی مرکزی هماهنگی سازمانهای دولتی و ملی ایران ضمن شرکت همگانی، پشتیبانی خود را از تحصن جامعه روحانیت در مسجد دانشگاه [تهران] اعلام داشته و تا باز شدن فرودگاه جهت ورود رهبر بزرگ انقلاب ملت ایران امام خمینی به تحصن خود ادامه خواهند داد».

جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران نیز در بیانیه‌ای با اشاره به فرار شاه از کشور اعلام کرد: «شاپور بختیار نخست‌وزیر دست‌نشانده و بی‌اختیار شاه را در راه تحقق بخشیدن به یک توطئه امپریالیستی علیه خلق مسلمان ایران همراه با کشتار مردم از بازگشت «قائد اعظم امام خمینی» که خواست قلبی همه مردم است جلوگیری کرده است».

در ادامه این بیانیه با اشاره به تحصن «روحانیون متعهد و مبارز تهران» در مسجد دانشگاه تهران آمده است: «جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران ضمن اعلام مخلوع بودن شاه و غیرقانونی بودن دولت شاپور بختیار پشتیبانی کامل خود را از تحصن روحانیون مبارز ـ که همچون اسلاف خود پرچمدار قیامهای ملت مسلمان ایران علیه ظلم و استبداد و استعمار می‌باشند ابراز داشته و هم‌صدا با ملت شجاع ایران هرگونه دسیسه و توطئه علیه بازگشت امام خمینی و استقرار جمهوری عدل اسلامی را شدیداً محکوم می‌کند.»

آیت‌الله سیدمحمود طالقانی که در پیامی به متحصنین آمادگی خود را برای پیوستن به آنها اعلام کرده است. ساعت ۵ بعد از ظهر امروز به جمع صدها روحانی متحصن در مسجد دانشگاه تهران پیوست. آیت‌الله طالقانی، با وجود بیماری، اعلام کرد که تا بازگشت رهبر ملت به تحصن خود ادامه خواهد داد.

خبرنگار روزنامه کیهان از استقبال گسترده مردم از تحصن علما و روحانیون خبر داد و نوشت: «عده زیادی از مردم امشب مواد خوراکی و پوشاک و دیگر وسایل ضروری برای متحصنان آوردند و تلاش و همبستگی مردم غیرقابل توصیف بود.(۲۰) مردم گروه گروه با عجله قبل از شروع ساعات منع عبور و مرور شبانه خود را به دانشگاه تهران می‌رساندند و برای روحانیون متحصن غذا و وسایل می‌آوردند».

***مردم گروه گروه در دسته‌های بزرگ تظاهر کننده به دانشگاه تهران وارد می‌شدند و از اقدام روحانیون پشتیبانی می‌کردند و حتی در شهرستان‌ها نیز تظاهرات گسترده‌ای در حمایت از تحصن روحانیون شکل گرفت**

تحصن روحانیون مورد توجه مردم هم قرار گرفت. با تحصن روحانیون در مسجد دانشگاه تهران، محدوده دانشگاه و خیابانهای اطراف محور و مرکز تظاهرات و تجمعات اعتراض‌آمیز مردم علیه عوامل رژیم شاه شد و مردم گروه گروه در دسته‌های بزرگ تظاهرکننده به دانشگاه تهران وارد می‌شوند و از اقدام روحانیون پشتیبانی کردند و حتی در شهرستان‌ها نیز تظاهرات گسترده‌ای در حمایت از تحصن روحانیون شکل گرفت.

تحصن علما و روحانیون در اسناد مراکز نظامی و امنیتی نیز بازتاب داشت. پلیس تهران در این باره گزارش داد: «در حدود چهارصد نفر از صبح روز ۵۷/۱۱/۸ در دانشگاه تهران اجتماع کرده و بعد به عنوان اعتراض به نیامدن خمینی شب را در مسجد دانشگاه بیتوته و متحصن شده‌اند».

فرمانداری نظامی تهران و حومه نیز از این تحصن خبر داد: «تعدادی روحانیون متحصن در دانشگاه دانشجویان و مردمی که در آنجا بوده‌اند تشویق و تحریک نموده‌اند که ژاندارمری تعدادی از ما را کشته است. خود را برای یک حمله متقابل و نشان دادن قدرت و ضرب و شصت آماده کنید».

این تحصن تا روز دوازدهم بهمن ۱۳۵۷ ادامه داشت و با ورود امام خمینی(ره) به تهران روحانیون متحصن با انتشار بیانیه‌ای پایان تحصن خود را اعلام کردند و به صفوف استقبال کنندگان از ایشان پیوستند.

مفهوم واقعی علم دینی

حضرت آیت‌الله جوادی آملی

حضرت آیت‌الله جوادی آملی از مراجع معظم تقلید در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که هفته گذشته صورت گرفت گفتند: یک سری امور مهمی هست که مربوط به حوزه اقتصاد است که باید با مسئولین اقتصادی در میان بگذاریم و یک مسائلی هست که مربوط به حوزه فرهنگ است که مهمتر از اقتصاد است و آن اختصاص به دولت ندارد، بلکه دولت و ملت و حوزه و دانشگاه همه باید با این اصل روبرو باشند.

ایشان با تأکید بر اینکه حوزه و دانشگاه، قطب فرهنگی جامعه هستند، اظهار داشتند: مرحوم کلینی در مقدمه کتاب الکافی آورده است که قطب فرهنگی اسلام چه در دنیا و چه در آخرت «عقل» است، چون هم در دنیا برابر با عقل با ما رفتار می‌کنند و هم در قیامت برابر با عقل با ما محاسبه می‌کنند! هم در دنیا چیزی به جز عقل خریدار ندارد و هم در آخرت! براساس این عقل، مهم‌ترین مشکل ما این است که ما به فکر همه چیز هستیم به جز خودمان! اکثریت ما به فکر این نیستیم که بعد چه می‌شود؟!

آیت‌الله جوادی آملی گفتند بدترین مشکل ما غفلت ماست. عده‌ای آمدند به پیغمبر عرض کردند ما را به عملی هدایت کنید که ما از آن عمل بهره ببریم، حضرت فرمود: «معرفه النفس» خودت را بشناس! آنها بیان داشتند که ما راهکار عملی از شما خواستیم، شما مسئله علمی به ما گوشزد می‌کنید، حضرت فرمود: تمام برکات از همین علم است که بدانید «که» هستید! ما اگر خودمان را بشناسیم، خیلی از مشکلاتمان حل می‌شود.

ایشان گفتند: انسان مانند درخت نیست که بعد از مرگ تبدیل به هیزم شود و تمام، بلکه مانند پرنده‌ای است که با مرگ از قفس آزاد می‌شود، اگر آزاد شدن پرنده هست که هست باید بدانیم که پس از این جهان به کجا می‌رویم! مشکل جامعه ما این است که یادمان می‌رود که هستیم و به کجا میخواهیم برویم، همچون مسافری که وقتی نمی‌داند کجا برود همیشه سرگردان است! هر جا ما مشکل داریم برای این است که خودمان را نشناختیم! اگر بدانیم که هستیم و کجا می‌رویم، در آن صورت نه خلاف می‌کنیم، نه بیراهه می‌رویم و نه راه کسی را می‌بندیم.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود به تبیین علم دینی پرداختند و ابراز داشتند: همه آنچه در زمین و آسمان است مخلوق خداست و خداوند فرمود همه اینها آیت و نشانه الهی است، ما خیال میکنیم علم دینی آن است که کتاب را براساس خواسته خودمان بنویسیم و سپس نام خدا را در ابتدا و بعد آرم جمهوری اسلامی و عکس امام و رهبری را بزنیم این می‌شود علم دینی، درحالی که اینها وظیفه ابتدایی است ولی مهم، محتواست که آدم هر چه را می‌داند، کار خدا بداند و فعلی که از او صادر می‌شود را نمی‌گوید رفت و تمام شد، نخیر این هست و هیچ عملی از بین نمی‌رود؛ اعمال ما همواره با ما هست.

ایشان ادامه دادند: اصل اول این است که کمال انسان در علمش است، اصل دوم این است که علم هر چه دارد از راه معلوم است، هر علمی وقتی ترقی می‌کند که بداند معلوم چه می‌گوید و تا معلوم را خوب نشناسیم، علم پیشرفت نمی‌کند، معلوم چه آسمانی و چه زمینی و چه ما بین آنها باشد، همه مخلوق خداست! خدای سبحان که اینها را معرفی می‌کند به عنوان مثلث معرفی می‌کند نظام فاعلی، نظام غایی و هدفمند و نظام داخلی که این وسط است، یعنی یک ضلع به مبدأ برمی‌گردد چه کسی او را آفرید، یک ضلع آنکه برای چه خلق شده و یک ضلع هم درونی است، بدانید که هویت شما به هویت معلوم گره خورده و معلوم مثلث است و این مثلث را مُثله نکنید. اگر معلوم را مُثله کردید، علم مُثله گیرتان می‌آید و خودتان مُثله می‌شوید.

ایشان گفتند: متأسفانه این علم را مُثله کرده‌اند و فقط یک ضلع را باقی گذاشته اند، کی آفرید (ضلع اول) و برای چه آفرید (ضلع سوم) را گرفتند؛ این بدن سرد باقیمانده، این زمین مرده و آسمان مرده که انسان را عالم نمی‌کند، علم هر چه دارد از معلوم است و این معلوم مثله شده، معلوم سرد خانه‌ای است! یک موجود مرده مثله شده سردخانه‌ای که مشکل خود را حل نمی‌کند، علم وقتی مشکل عالم را حل می‌کند که مثلث باشد؛ لذا وقتی از موسی کلیم‌الله(ع) سؤال شد پروردگاری که تو را فرستاد، کیست؟ گفت: خدا همه چی را مثلث آفرید، خدا آفرید، اینچنین آفرید و برای هدفی خاص آفرید؛ این علم دینی است که باید در دانشگاه‌ها و امور فرهنگی ما نهادینه شود.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در یک نگاه

حجت‌الاسلام دکتر علی‌محمد حکیمیان
ریاست پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و برپایی حکومت جمهوری اسلامی در ایران به خوبی لزوم تربیت مدیران تراز انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را هویدا ساخت. امام خمینی رضوان‌الله علیه به عنوان معمار انقلاب می‌بایست مدیرانی را برای پیشبرد مقاصد انقلاب معرفی می‌کرد که بتوانند تحول لازم را در جامعه ایران ایجاد کرده و حکومت جمهوری اسلامی را در صحنه بین‌الملل به عنوان یک حکومت دینی و پیشرفته در دنیای امروز معرفی نماید، اندیشمندان غالبا حوزوی و بعضا دانشگاهی در ابتدا زمینه مباحثات علمی و عقیدتی را در محیطهای علمی و خصوصاً رادیو تلویزیون فراهم کردند ولی بروز ناآرامی‌ها در گوشه و کنار ایران و بروز جنگ تحمیلی و شورش

***ضرورت تحول در حوزه علوم انسانی به مثابه بنیادی‌ترین عامل برای حفظ و بقای انقلاب و پیشبرندگی و تمدن‌سازی آن باعث شد فضلای حوزوی این نهاد نوپا را به نام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه زنده نگه دارند**

مسلحانه و تروریستی گسترده گروههای معاند جمهوری اسلامی این گفتگوهای سازنده و تحولگرا معرفت افزا و انسان ساز را به محاق بردند.

اما نیاز انقلاب به این تحول معرفتی برای تضمین یک انقلاب اسلامی و تمدن ساز باقی بود و تنها جایی که می‌بایست مباحث فرهنگی و علمی تحولگرا را برای برآوردن نیاز انقلاب برای تحول در جامعه انجام دهند حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها بودند. زیرا مدیران این حکومت باید در دو محیط دانشگاه و حوزه‌های علمیه تربیت می‌شدند تا بتوانند ایران جدید را به عنوان حکومتی دینی و پیشرفته معرفی نمایند.

در اول انقلاب ناکارآمدی هردو نهاد علمی برای تربیت چنین مدیرانی رخ نمود. دانشگاه‌ها کپی‌برداری از جوامع غربی بود و خصوصا در حوزه علوم انسانی بهره لازم از بومی‌سازی، کارآمدی و روزآمدی نداشتند و با فرهنگ ملی و مذهبی ایران نیز هماهنگ نبودند. حوزه‌های علمیه نیز دارای ساختار آموزشی و تربیتی سنتی بودند و با رویکرد جدید فقهی و معرفتی معمار انقلاب یعنی رویکرد اجتماعی و تحول گرا در ایجاد یک جامعه فرهنگی اسلامی و در تراز انقلاب فاصله داشتند.

با اعلام انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها در اول سال ۱۳۵۹ بنیانگذار جمهوری اسلامی از دانشگاهیان فرهیخته و فضلای حوزه درخواست نمود شرایط لازم برای تحول در علوم انسانی بعنوان سازنده فرهنگ اجتماعی اسلام و تربیت‌کننده منابع انسانی جامعه را به کمک هم فراهم آورند. این تحول هم در حوزه و هم در دانشگاه بعنوان دو نهاد فعال در تربیت نیروهای جامعه لازم بود بوجود آید؛ برای تحقق این تحول نه تنها لازم بود، ساختار این دو نهاد متحول شود که مهمتر تغییر در متون و نگرش اساتید و مدرسین این دو نهاد بود. کاری بسیار مهم که ضامن بقا و پایداری انقلاب و پیشبرنده تحول بنیادی بود که انقلاب شعار ملی و بین‌المللی آن را داده بود. این مهم را بیشتر از همه حضرت امام که خود مهندس و معمار نرم افزار انقلاب بود متوجه بود، امامی که بدرستی ناکارآمدی مدیران را در عملکرد در تراز انقلاب اسلامی بعیان می‌دید. او می‌دانست باید برای حفظ و بقای انقلاب در آن دوران پرتنش که انقلاب از درون و برون مورد تهاجم قرار گرفته بود، اندیشه می‌شد. به نظر امام انقلاب می‌رسید انقلاب فرهنگی این مهم را خواهد ساخت. به همین دلیل پیامی را به حوزه علمیه قم فرستاد تا خاستگاه انقلاب تدبیری برای برون رفت و تضمین آینده انقلاب بیاندیشد. امام بدرستی می‌دانست که در کنار معمار انقلاب مدیران کافی کارآمد در تراز انقلاب ساخته و تربیت نشده و تعدادی از مدیران نسبتا کارآمد و همراه او نیز در عملیاتهای تروریستی شهید گشته‌اند.

جامعه مدرسین قم این مسئولیت مهم را با تشکیل کمیته‌های مختلف در گروههای اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی، علوم تربیتی، روانشناسی و جامعه شناسی آغاز و باب گفتگوهای علمی را بین فرهیختگان حوزه و دانشگاه گشود. نوشتن مقاله‌های تخصصی توسط اعضای علمی کمیته‌ها و مباحثه و گفتگوها در مورد رویکرد اسلام به مباحث روز دانشگاه در حوزه علوم انسانی توسط فرهیختگان دانشگاهی و حوزوی باعث شد تا زمینه برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌هایی با رویکرد تحول علوم انسانی غربی به علوم انسانی اسلامی فراهم آید. اما دانشگاه‌ها پس از مدت کوتاهی گشوده شد بدون اینکه این همکاری

افق جدیدی در نهاد دانشگاه و حوزه ایجاد کند.

ضرورت تحول در حوزه علوم انسانی به مثابه بنیادی‌ترین عامل برای حفظ و بقای انقلاب و پیشبرندگی و تمدن‌سازی آن باعث شد فضلای حوزوی این نهاد نوپا را به نام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

***جذب فضلای دانش آموخته حوزوی و دانشگاهی در کنار تربیت یافتگان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سرآغاز ایجاد پژوهش و ساخت متون دانشگاهی با رویکرد علوم انسانی اسلامی شد و نهاد دفتر همکاری از پژوهشکده به موسسه و سپس پژوهشگاه در سال ۱۳۸۴ تبدیل گردید**

با جذب نخبگان حوزه و تربیت آنها در گروه‌های مزبور و استفاده از اساتید سرآمد علوم انسانی دانشگاهی در کنار بزرگان حوزه برای ایجاد تحول علوم انسانی زنده نگه دارند. این دوران را باید دوران تربیت کادر علمی این نهاد برای ایجاد علوم انسانی اسلامی و تحول گرایی در نهاد علم دانست. به همین دلیل در سال ۱۳۷۷ با همکاری برخی حوزویان و دانشگاهیان پژوهشکده حوزه و دانشگاه از وزارت علوم و و آموزش عالی مجوز کسب نمود و آن وزارت با توجه به ضرورت مسئولیت تحول در علوم انسانی به عنوان یک نهاد وزارتی موافقت با ایجاد آن را اعلام نمود.

جذب فضلای دانش آموخته حوزوی و دانشگاهی در کنار تربیت یافتگان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سرآغاز ایجاد پژوهش و ساخت متون دانشگاهی با رویکرد علوم انسانی اسلامی شد و نهاد دفتر همکاری از پژوهشکده به موسسه و سپس پژوهشگاه در سال ۱۳۸۴ تبدیل گردید. فعالیت‌های این نهاد پژوهش در راستای تحول علوم انسانی تا بحال در ۱۲ رشته ادامه یافته و حاصل آن ایجاد بیش از ۶۰۰ کتاب و بیش از هزار مقاله پژوهشی و صدها نشست علمی و چندین همایش بین‌المللی و تعداد زیادی وبینار علمی بین‌المللی بوده است. ترجمه بیش از ۱۲۰ کتاب به ۱۲ زبان زنده دنیا نیز بخشی از این موفقیت است و طرحهای علمی مشارکتی با دانشمندان تراز اول دنیا فعالیت جدید این نهاد علمی است. تربیت دهها دانشجو در مقطع دکتری در رشته علوم انسانی نیز بخشی از نیازهای دانشگاه‌ها برای پرکردن مدرسان آشنا به علوم انسانی اسلامی را به همراه داشته است.

اما بعد از گذشت نزدیک به چهاردهه از آغاز انقلاب فرهنگی باید اذعان نمود این نهاد به تنهایی نتوانسته و نمی‌تواند نیاز ایران را در حوزه علوم انسانی فراهم سازد و امروز با دانشگاه‌های در تراز انقلاب فاصله داریم، گرچه در این مسیر پیشرفت‌های قابل توجهی صورت گرفته و موفقیت‌هایی زیادی حاصل شده است. امروز در حدود چندین هزار متن در حوزه علوم انسانی نیاز تحول است و تربیت همین میزان اساتید مجرب و آشنا به علوم انسانی اسلامی نیاز است. به همین دلیل مجوز جدیدی برای تشکیل پژوهشکده تعاملات حوزه و دانشگاه توسط پژوهشگاه ازسوی هیئت امناء صادر شده است تا همکاری حوزویان و دانشگاهیان فراهم گردد. دانشگاه‌های روییده از انقلاب اسلامی و وجود دهها موسسه در حوزه‌های علمیه که با علوم انسانی روزآمد آشنا هستند و تغییرات ساختاری و تحولی حوزه علمیه در سالهای اخیر و برپایی دهها درس در حوزه علوم انسانی در حوزه‌ها افق جدیدی را برای همکاری حوزویان و دانشگاهیان و ایجاد یک شبکه بزرگ اساتید این دو نهاد علم نوید می‌دهد تا حفظ و بقای انقلاب با جوشش جدیدی که در حوزه تربیت مدیران کارآمد در تراز انقلاب بوجود آمده سبب تضمین انقلاب شکوهمند ایران گردد. گروه‌های آینده پژوهی، ارتباطات و گروه همکاری حوزه دانشگاه باید گروه چهارم این پژوهشکده جدید یعنی گروه دانشگاه اسلامی را پشتیبانی کرده تا پژوهش‌های دست یابی به شاخص‌های دانشگاه اسلامی عملیاتی شده و در آفرینش دانشگاه تراز

***فعالیت‌های این نهاد پژوهش در راستای تحول علوم انسانی تا بحال در ۱۲ رشته ادامه یافته و حاصل آن ایجاد بیش از ۶۰۰ کتاب و بیش از هزار مقاله پژوهشی و صدها نشست علمی و چندین همایش بین‌المللی و تعداد زیادی وبینار علمی بین‌المللی بوده است**

انقلاب نقش فعال بازی کند. امید است با درایت مسئولین عالی نهاد علم یعنی مدیران عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حوزه‌های علمیه این مهم جامه عمل بپوشد. وحدت حوزه و دانشگاه با همراهی، همدلی و هم اندیشی این مدیران عالی و اساتید محترم این دو نهاد علم محقق می‌شود. لازم به یادآوری است در ایران نهاد علم نباید دوگانه باشد بلکه لازم است یک نهاد یگانه در موسسات حوزوی و دانشگاهی با یک مبانی معرفتی و انسان شناختی بوجود آید، البته ضرورت گفتگوی اساتید حوزه و دانشگاه برای رشد و ارتقاء، روزآمدی، بومی‌سازی، کارآمد سازی و اسلامی سازی علوم انسانی در پرتو ایجاد یک فضای علمی آزاد و دور از هرگونه نگرش امنیتی حاصل خواهد شد. اذعان باید نمود که چتر امنیتی ناشی از ترورها، نفوذ و خرابکاری گروه‌های معاند انقلاب و دشمنان ایران، که حداقل سایه‌اش را هنوز اساتید دو نهاد علمی احساس می‌کنند، موضوع مهمی است که رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کردند که باید از محیط‌های علمی با ایجاد و برگزاری کرسی‌های علمی خصوصا کرسی‌های آزاد اندیشی، برچیده شود تا شرایط آفرینش پویایی، شادابی و تحرک در نهاد علم فراهم شود تا بالندگی بیشتر ایران اسلامی فراهم گردد. ان‌شاءالله.